

## جمعیت از منظر اسلام

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدحسین پوریانی\*

### اشاره

کنترل جمعیت و تنظیم خانواده، از جمله مسائلی است که با رشد بی‌رویه جمعیت و پیامدهای منفی آن در جهان، ابتدا در غرب و سپس از حدود ۵۵ سال پیش، در ایران و دیگر کشورهای اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. گذشته از آن که سردمداری غرب در رواج و تبلیغ این سیاست جمعیتی و در نتیجه استعماری دانستن آن، و همچنین وابسته بودن رژیم پهلوی موجب شد، این سیاست با مخالفت‌هایی روبه‌رو شود. همواره این پرسش نیز مطرح می‌گردد که آیا اصولاً تحدید موالید و تنظیم خانواده، از منظر آموزه‌های اسلامی جایز است یا نه؟ در ابتدا، عمده علمای دین قائل به عدم جواز شده و تعداد اندکی، قائل به جواز تنظیم و کنترل جمعیت شدند. به همین دلیل، با پیروزی انقلاب اسلامی ایران اجرای سیاست کنترل جمعیت به فراموشی سپرده شد و در نتیجه، جمعیت رشد شتابانی به خود گرفت. نتایج سرشماری جمعیت در سال ۱۳۶۵ و مطالعات بعدی، زنگ خطر را برای مسئولان کشور به صدا در آورد: رشد جمعیت ۳/۴ درصدی، دو برابر شدن جمعیت در طی ۲۰ سال، افزایش بیکاری و مشکلات آموزشی و اجتماعی و... از این رو، علمای دین به بازنگری در مبانی اسلامی در باب بحث جمعیت پرداخته و پرسش‌هایی مطرح شد؛ پرسش‌هایی از این قبیل که آیا از منظر اسلامی، تکثیر نسل و افزایش جمعیت، الزامی و واجب است؟ آیا اسلام در این مسأله ساکت است و نظری در باب افزایش یا کاهش جمعیت ندارد؟ آیا اسلام به طور مطلق و در همه شرایط، خواهان افزایش جمعیت است یا آن را مقید به شرایط و صفات خاصی کرده است؟ آیا سیاست جمعیتی ثابت است یا طبق شرایط زمان و مکان تغییر می‌یابد؟ آیا تنظیم خانواده با همان شیوه‌هایی که در مغرب زمین

---

\* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی نراق و پژوهشگر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی مرکز مطالعات فرهنگی - اجتماعی.

رواج دارد، مورد پذیرش تفکر دینی است و یا این‌که برخی قابل قبول و برخی نامشروع هستند؟

هدف اصلی نوشتار حاضر، این است که ضمن آشنایی با ادبیات جمعیت، دیدگاه اسلام نسبت به افزایش، کاهش، تثبیت و تناسب جمعیت را مورد واکاوی و بررسی قرار دهیم.

به نظر می‌رسد برای دستیابی به دیدگاه اسلام در مسأله جمعیت، پرداختن به سؤالات زیر حایز اهمیت است:

■ آیا تکثیر موالید، واجب است؟ آیا اصل اولی، تکثیر و تزیاید نسل است؟ آیا تکثیر موالید، به طور مطلق و در هر شرایطی مستحب است یا استحباب آن با توجه به سایر ادله و آموزه‌های دینی، قابل تخصیص یا تقیید است؟ به عبارت دیگر، آیا همان طور که برخی اعتقاد دارند، از منظر دینی، اصل، تکثیر نفوس است و مطلوب آن است که مسلمانان بدون واهمه از محدودیت‌ها و شرایط ویژه خانوادگی و اجتماعی، و با توکل به خداوند و رازقیت او، به تکثیر فرزندان بپردازند و هیچ‌گونه تحدید و کنترلی را اعمال نمایند؟

### موالید یا زاد و ولد

موالید یا زاد و ولد، یکی از دلایل عمده در تعداد افراد یک کشور و افزایش جمعیت آن کشور است. داشتن تعداد مطلق موالید (تعداد موالید زنده به دنیا آمده یک کشور در یک سال معین)، شاخص مناسبی برای شناخت حجم نسبی موالید در یک منطقه نیست.

برای مثال، مقایسه مقدار خام موالید کشور ایران و کشور چین، برای فهم این مطلب که در کدام کشور زاد و ولد بیشتری رخ می‌دهد، گمراه‌کننده خواهد بود؛ چون تعداد جمعیت این دو کشور بسیار متفاوت است. تعداد موالید در چین به دلیل جمعیت بیش از یک میلیاردی‌اش، بسیار بیشتر از تعداد موالید در ایران است؛ اما اگر تعداد موالید هر کشور را نسبت به جمعیت‌اش در نظر بگیریم، مشخص می‌شود که نرخ موالید در ایران بسیار بیشتر از چین است (در سال ۲۰۰۶ نرخ موالید چین، ۸ در هزار بوده و ایران در همین سال نزدیک ۱۸ در هزار). به این دلیل، به جای به کار بردن رقم مطلق موالید، نسبت آن را به کل جمعیت (اعم از زن و مرد) در نظر می‌گیرند و آن را میزان یا نرخ

خام موالید می‌نامند. اگر عدد به دست آمده را در هزار ضرب کنیم، در این صورت، تعداد موالید در هزار نفر جمعیت در سال به دست می‌آید. نظر بر این‌که در محاسبه میزان مذکور، کل جمعیت جامعه (اعم از زن و مرد) دخالت داده می‌شوند، این میزان یا نرخ، «میزان خام موالید» نام گرفته است.

جدول زیر، روند نرخ خام موالید را در ایران نشان می‌دهند. در یک نگاه کلی، آمارها بیانگر کاهش نرخ خام موالید در ایران، به‌ویژه از سال ۱۳۶۸ به بعد است.

سال	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۰	۱۳۶۵	۱۳۷۰	۱۳۷۵	۱۳۸۰	۱۳۸۵	۱۳۹۰
میزان موالید	۴۸	۴۱/۵	۵۹/۲	۴۵/۶	۲۸/۵	۱۹/۷	۱۷/۲	۱۷/۸	۱۸/۷

جدول ۱: میزان موالید کشور در هزار نفر (۱۳۹۰ - ۱۳۴۵)

طبق جدول فوق، در سال ۱۳۶۰ بالاترین نرخ موالید (نزدیک به ۶۰ در هزار) را تجربه کرده‌ایم؛ اما با اعمال سیاست‌های کنترل جمعیت و تغییر شرایط اجتماعی-فرهنگی، این نرخ در سال ۱۳۷۰ به ۲۸/۵ نفر و در سال ۱۳۹۰ به ۱۸/۷ در هزار کاهش یافته است؛ یعنی در سال ۱۳۹۰ در قبال هر هزار نفر جمعیت، ۱۸/۷ مورد موالید روی داده است. روند میزان خام موالید در ایران، به ترتیب زیر است:

۱. ثابت ماندن نرخ موالید تا سال ۱۳۲۵ در حدود ۴۰ در هزار؛
۲. افزایش از سال ۱۳۲۵ تا ۱۳۴۵ تا حدود ۴۵ و ۴۸ در هزار؛
۳. تنزل در دهه ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ تحت تأثیر برنامه تنظیم خانواده و افت به سطح ۴۰ در هزار؛
۴. افزایش شدید در دهه ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ به علت سیاست تشویق موالید و رها شدن برنامه تنظیم خانواده و رسیدن به میانگین حدود ۵۰ در هزار؛
۵. تنزل چشمگیر و معنادار تحت تأثیر از سرگیری کامل و حتی مؤثرتر برنامه تنظیم خانواده و اتخاذ سیاست کنترل جمعیت از طرف دولت، از سال ۱۳۶۸ همراه با خود-آگاهی اجتماعی و همگامی خانواده‌ها و در نتیجه افت به حدود ۲۰ در هزار در سال ۱۳۷۵ و ۱۷ در هزار در دهه ۸۰.

## سن متوسط در اولین ازدواج

سن در اولین ازدواج، به‌ویژه نزد زنان، تأثیر مهمی در باروری دارد و معمولاً با بالا رفتن این سن، از تعداد موالید یک زوج کاسته می‌شود؛ چون با بالا رفتن سن ازدواج، از طول دوران بارداری زن کاسته می‌شود. هرچند تصمیم‌گیری زوجین در مورد خواستن یا نخواستن (تقاضای) زن و زمان این تقاضا در دوران حیات خانواده، می‌تواند این رابطه را تحت تأثیر قرار دهد.

جوامع انسانی طی دو قرن اخیر، شاهد افزایش قابل توجه سن ازدواج بوده‌اند. این افزایش، نخست در کشورهای اروپایی اتفاق افتاد و سپس در قرن بیستم به کشورهای دیگر سرایت کرد. ایران نیز همانند سایر کشورها این مسأله را تجربه کرده است. برای نمونه، درصد افراد ازدواج‌کرده ۱۹-۱۵ ساله مرد از ۶/۳ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۲/۶ درصد در سال ۱۳۷۵ کاهش یافته است. کاهش درصد مشابه برای زنان در دوره مورد نظر، از ۴۱/۰ درصد به ۹/۱۷ درصد بوده است (کوششی، ۱۳۸۵)؛ به عبارت دیگر، در حالی که در سال ۱۳۳۵، ۴۱ درصد زنان گروه ۱۹-۱۵ ساله ازدواج کرده بودند، این میزان در سال ۱۳۷۵ به کمتر از ۱۰ درصد کاهش یافته است.

در ایران با وجود پایین بودن سن قانونی ازدواج دختران و تشویق‌ها و ترغیب‌هایی که از طرف دولت و مسئولان کشور جهت آسان‌سازی امر ازدواج برای جوانان به عمل می‌آید، میانگین سن ازدواج زنان و مردان، با افزایش همراه است.

پس از انقلاب اسلامی (۱۳۵۷) معیارهای انتخاب همسر با تحول و دگرگونی روبه‌رو شد و ساده‌زیستی و عدم توجه به تجملات اشاعه پیدا کرد که از نتایج مستقیم آن، ثبات و یا کاهش سن ازدواج زنان و مردان بوده است؛ به طوری که در سال ۱۳۶۵ رقم متوسط سن ازدواج زنان، به ۱۹/۹ سال و متوسط سن ازدواج مردان، به ۲۳/۸ سال رسید. طی سال‌های ۷۵-۱۳۶۵ متوسط سن ازدواج زنان و مردان افزایش یافته، ولی شتاب افزایش متوسط سن ازدواج زنان خیلی بیش از مردان بوده؛ به طوری که این رقم افزایش برای زنان و مردان، به ترتیب مساوی ۲/۵ و ۱/۸ سال بوده است.<sup>۱</sup> میانگین سن ازدواج زنان در سال ۱۳۸۵، به ۲۳/۲ سال و مردان در همین سال، به ۲۶/۲ سال افزایش

۱. مجله پژوهش زنان، ش ۱۰.

یافت. مقایسه آمار سال ۱۳۶۵ با سال ۱۳۸۵ در این زمینه، نشان می‌دهد که میانگین سنی ازدواج زنان در دو دهه مورد اشاره، ۳/۳ سال و مردان ۲/۴ سال افزایش یافته است. بالا رفتن سن در اولین ازدواج و علاوه بر این، تمایل زوج برای به تأخیر انداختن زمان فرزندآوری، در کاهش میزان باروری مؤثر می‌باشد.

سال	زنان	مردان
۱۳۶۵	۱۹/۸	۲۳/۶
۱۳۷۵	۲۲/۴	۲۵/۶
۱۳۸۵	۲۳/۲	۲۶/۲

جدول ۲: سن متوسط در اولین ازدواج در ایران (۱۳۶۵ - ۱۳۸۵)

### کاهش میزان باروری

طبق آمارهای رسمی، میزان مولید در ایران نسبت به دو دهه پیش، کاهش چشمگیری پیدا کرده است؛ به طوری که در سال ۱۳۶۰، بالاترین نرخ مولید (نزدیک به ۶۰ در هزار) را تجربه کرده‌ایم؛ اما با اعمال سیاست‌های کنترل اجتماعی و تغییر شرایط اجتماعی - فرهنگی، این نرخ در سال ۱۳۷۰ به ۲۸/۵ نفر، و در سال ۱۳۹۰ به ۱۸/۷ در هزار کاهش یافته است؛ یعنی در قبال هر هزار نفر جمعیت، ۱۸/۷ مورد مولید روی داده است. در واقع، میزان باروری نسبت به دهه ۶۰، حدود دو سوم کاهش یافته است.

### کاهش باروری کل

بالاترین میزان باروری کل، در سال ۱۳۶۵ بوده که طی آن، زنان در سن باروری، هر کدام به طور میانگین ۷ فرزند به دنیا آورده‌اند. این نرخ در دهه بعد، با شیبی قابل ملاحظه‌ای سقوط کرده و به حدود ۱/۶ فرزند در سال ۱۳۹۰ رسیده است که نسبت به سرشماری ۱۳۷۵، حدود ۱/۴ و نسبت به سال ۱۳۶۵، حدود ۴/۲ فرزند کاهش نشان می‌دهد؛ به عبارت دیگر، در حال حاضر، تعداد فرزندان که یک زن ایرانی طی دوران باروری خود به دنیا می‌آورد، ۱/۶ کودک است؛ یعنی نتیجه ازدواج دو نفر، به وجود آمدن کمتر از دو نفر می‌باشد که اصطلاحاً به این وضعیت، نرخ باروری «پایین‌تر از حد جایگزین» گفته می‌شود. کارشناسان جمعیتی معتقدند در صورتی که نرخ باروری به

میزان کمتر از حد جایگزین برسد و برای مدت طولانی باقی بماند، جایگزینی نسلی به وقوع نپیوسته و طی سال‌های بعد، رشد جمعیت منفی خواهد شد.

### رشد منفی جمعیت در آینده نزدیک

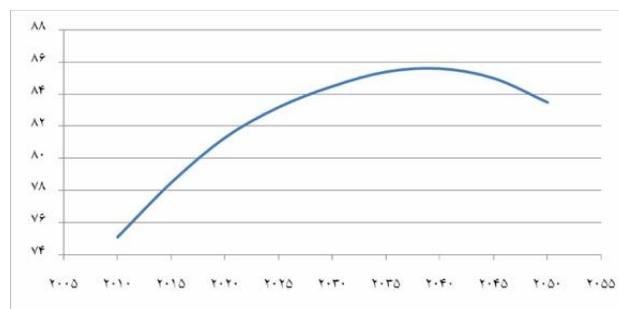
برحسب رشد فعلی جمعیت و ساختار سنی و جنسی آن و همچنین با استفاده از محاسبات مختلف، تعداد جمعیت در سال‌های آتی قابل پیش‌بینی است. این پیش‌بینی، برای شناخت وضعیت جمعیتی در آینده و اتخاذ سیاست‌های جمعیتی پیش‌دستانه ضروری است.

سال	جمعیت
۱۳۹۰	۷۵۵۳۲۰۰۰
۱۴۰۰	۸۴۷۷۹۰۰۰
۱۴۱۰	۸۹۳۸۲۰۰۰
۱۴۲۰	۹۱۱۱۹۰۰۰
۱۴۲۵	۹۰۸۹۶۰۰۰
۱۴۳۰	۸۹۵۶۵۰۰۰

جدول ۳: پیش‌بینی جمعیت ایران (۱۳۹۰ - ۱۴۳۰)

طبق پیش‌بینی فوق، رشد جمعیت ایران از ده سال آینده (۱۴۰۰) به بعد، بسیار کمتر خواهد شد؛ در طی ده سال (۱۴۱۰-۱۴۰۰)، جمعیت ایران حدود ۵ میلیون نفر افزایش پیدا خواهد کرد؛ در حالی که بین سال ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰، بیش از ۹ میلیون افزایش خواهیم داشت و در دهه‌های قبل، شاهد افزایش بیشتری بوده‌ایم. در دهه بعدی (۲۰ - ۱۴۱۰)، این افزایش فقط ۱/۱ میلیون نفر خواهد بود. پس از آن (۱۴۲۵)، جمعیت ایران رشد منفی خواهد داشت و رو به کاهش می‌گذارد.

نمودار زیر، بر اساس پیش‌بینی سازمان ملل متحد است که رشد جمعیت کمتری را برای ایران برآورد کرده است.



نمودار ۱: کاهش جمعیت ایران از حدود ۳۰ سال آینده

بر اساس این پیش‌بینی، در حدود سال ۱۴۲۰، جمعیت کشور به ۸۶ میلیون نفر رسیده و پس از آن کاهش پیدا خواهد کرد و این در صورتی است که روند سیاست‌های جمعیتی فعلی، بازنگری و اصلاح نشود.

### سالخوردگی جمعیت

در مباحث جمعیتی، تنها تعداد جمعیت اهمیت ندارد؛ بلکه ترکیب جمعیت از لحاظ سنی نیز مهم است. آمارها و پیش‌بینی‌ها بیانگر کاهش نوجوانان و افزایش سالمندان است. در سال ۱۳۶۵، نزدیک به نیمی از جمعیت ایران، کمتر از ۱۵ سال داشته‌اند. چنین جمعیت جوانی که ناشی از رشد سریع جمعیت بعد از انقلاب بود، تقاضای نسبتاً بالایی را در زمینه غذا، مسکن، شغل، خدمات، آموزش و بهداشت، انرژی و سایر نیازمندی‌های زیستی ایجاد کرد. این افزایش تقاضا، در بعضی مقاطع زمانی، باعث بروز تنگناهایی در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و اجتماعی شد و فشار بر بخش‌های خدماتی و تولیدی را افزایش داد.

با شروع برنامه‌های تنظیم خانواده و کاهش مولید، میزان جمعیت جوان به حدود ۴۰ درصد در سال ۱۳۷۵ کاهش یافت. ادامه سیاست کنترل جمعیت موجب شد که در سال ۱۳۸۵، جمعیت جوان فقط حدود ۲۵ درصد جمعیت را تشکیل دهد. در طی دو دهه (۱۳۶۵ - ۱۳۸۵)، سهم جمعیت جوان ایران نسبت به کل جمعیت، تقریباً به نصف کاهش یافت.

سال / گروه سنی	۱۴-۰ ساله	۶۴ - ۱۵ سال	۶۵ ساله و بیشتر
۱۳۶۵	۴۵/۴۷	۵۱/۴۶	۳/۰۷
۱۳۷۵	۳۹/۵۲	۵۶/۱۳	۴/۳۵
۱۳۸۵	۲۵/۰۸	۶۹/۷۳	۵/۱۹

جدول ۴: ساختار سنی جمعیت ایران (۱۳۶۵ - ۱۳۸۵) به درصد

انتظار می‌رود با ادامه وضعیت کنونی رشد جمعیت، ساختار سنی جمعیت ایران دگرگون شود و به جای یک جمعیت جوان با دغدغه‌های خاصش، با یک جمعیت سالخورده روبه‌رو باشیم. از جمله عوامل مؤثر در افزایش جمعیت سالمند کشور در دو دهه اخیر، افزایش امید به زندگی به دلیل رشد بهداشت و کاهش میزان باروری بوده است.

از منظر علم جمعیت‌شناسی، «جمعیت به سوی سالمندی»، جمعیتی است که ۷ تا ۱۴ درصد آن جمعیت را گروه‌های سنی ۶۵ ساله و بیشتر تشکیل می‌دهد. در «جامعه سالمند»، این درصد بین ۱۴ تا ۲۰ و در «جامعه سالخورده»، ۲۰ درصد و بیشتر است. طبق جدول فوق، چون در سال (۱۳۹۰)، درصد جمعیت سالمند، ۵ درصد کل جمعیت ایران است، هنوز سالمندی جمعیت آغاز نشده است. اما پیش بینی می‌شود که از سال ۱۴۰۵، جمعیت به سوی سالمندی حرکت کند؛ یعنی بیش از ۷ درصد جمعیت کشور، ۶۵ سال و بیشتر داشته باشند. در سال ۱۴۲۵، جمعیت ایران سالمند می‌شود؛ یعنی ۱۵ درصد جمعیت کشور، ۶۵ سال و بیشتر خواهند داشت. در سال مذکور، کمتر از ۱۶ درصد جمعیت ایران، زیر ۱۵ سال سن دارند. جدول زیر، این دگرگونی ترکیب سنی را بهتر نشان می‌دهد.



سال	۱۴ - ۰ سال	۱۵ - ۵۹ سال	۶۰ سال و بیشتر	۶۵ سال و بیشتر
۱۳۹۰	۲۳/۸	۶۸/۸	۷/۴	۵/۰
۱۴۰۰	۲۴/۶	۶۹/۴	۹/۷	۶/۰
۱۴۱۰	۱۹/۱	۵۹/۴	۱۳/۵	۸/۸
۱۴۲۰	۱۶/۱	۶۵/۰	۱۸/۹	۱۲/۲
۱۴۳۰	۱۵/۴	۵۷/۸	۲۶/۸	۱۸/۶

جدول ۵: پیش‌بینی توزیع درصدی جمعیت در گروه‌های وسیع سنی از سال ۱۳۹۰ تا سال ۱۴۳۰  
 پس از گذشت دو دهه از اجرای سیاست‌های کنترل جمعیت، آمارهای جمعیتی نشان می‌دهد که کنترل جمعیت، بسیار فراتر از تمام پیش‌بینی‌ها جلو رفته است و از اهدافی که مسئولان در ابتدای شروع کنترل موالید در نظر گرفته بودند نیز سال‌هاست که عبور کرده‌ایم. بنا به اظهارات محمدجواد محمودی، رئیس مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه، مهم‌ترین هدف‌های درازمدت سیاست تجدید موالید کشور در برنامه نخست توسعه، عبارت بودند از کاهش باروری عمومی زنان تا حد ۴ فرزند و نرخ رشد طبیعی، تا ۲/۳ درصد در سال ۱۳۹۰؛ در حالی که وضعیت فعلی، بیش از ۱۶۰ درصد از اهداف پیش‌بینی شده انحراف نشان می‌دهد؛ یعنی قرار بوده که به باروری ۴ فرزند برسیم، ولی حالا به باروری کل ۱/۸ فرزند رسیدیم (حتی کمتر از میانگین کشورهای توسعه یافته)، و رشد جمعیت به جای ۲/۳ درصد، تا ۱/۳ درصد کاهش یافته است.

در صورت ادامه روند فعلی کاهش نرخ باروری و عدم تغییر سیاست‌های جمعیتی کشور، طی سی سال آینده نرخ رشد جمعیت، صفر و سپس منفی خواهد شد که این یعنی سالخوردگی جمعیت (بیش از یک چهارم از کل جمعیت ایران تا سال ۱۴۳۰ سالخورده می‌شوند). معنای دیگر منفی شدن نرخ رشد جمعیت، آغاز روند کاهش جمعیت ایران از سال ۱۴۲۵ خواهد بود. شایان ذکر است که بر اساس مبانی علم جمعیت‌شناسی، کمترین نرخ باروری که ضامن بقای خانواده و جامعه است، ۲/۱ فرزند به ازای هر زن می‌باشد. این در حالی است که در سال ۱۳۹۰، نرخ باروری کشور به ۱/۶ فرزند رسیده است و پیش‌بینی‌ها کمتر شدن این مقدار را نیز نشان می‌دهد.

چنین آمارهای جمعیتی نگران‌کننده‌ای، کشور را با چالش‌های جدی روبه‌رو می‌کند؛ چالش‌هایی مانند: کاهش حجم کل جمعیت ملی، بحران باروری و تجدید نسل، بحران سالمندی جمعیت، بحران کاهش نیروی انسانی در سن کار، کاهش تقاضا و احتمال بحران اقتصادی، کاهش توان نظامی و قدرت بازدارندگی جامعه، افزایش مهاجرت‌های بین‌المللی و تغییرات هویتی و فرهنگی.

علاوه بر چالش‌های جمعیتی، امنیتی و اقتصادی فوق، جامعه با چالش‌های فرهنگی - اجتماعی نیز روبه‌رو خواهد شد. زمانی که جوامع وارد دومین انتقال جمعیتی می‌شوند، نظام ارزشی و نگرشی آن‌ها به ویژه در زمینه ازدواج، تشکیل خانواده و ارزش فرزندان تغییرات اساسی می‌یابد. در این مرحله، شکل سنتی تشکیل خانواده، تعریف سنتی نقش زنان و مردان در خانه و تعهدات و قیود خانوادگی نیز تغییر خواهد کرد و این به علت حضور بیشتر زنان در آموزش و اشتغال و شیوع ارزش‌های اجتماعی طبقه متوسط غرب در جوامع در حال توسعه است. برخی از چالش‌های فرهنگی - اجتماعی ناشی از افت جمعیت عبارت‌اند از:

افزایش سن ازدواج، تمایل کمتر به تشکیل خانواده، افزایش ناسازگاری‌های زوجین، افزایش طلاق، کاهش نرخ شیوع ازدواج، تمایل کمتر برای داشتن فرزند، افزایش نرخ مجرد قطعی.

بر پایه تحلیل‌های جمعیت‌شناختی فوق و هشدارهای آن، به همراه نظر مساعد مقامات ارشد نظام، هیأت دولت لایحه اصلاح قوانین تنظیم جمعیت و خانواده را در مهر ۱۳۹۰، تقدیم مجلس شورای اسلامی کرد. طبق ماده واحده این لایحه، «از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون، قانون تنظیم خانواده و جمعیت مصوب ۱۳۷۲ و اصلاحات آن و نیز کلیه محدودیت‌ها و محرومیت‌هایی که در قوانین مختلف بر اساس تعداد فرزندان برای والدین شاغل یا فرزندان آنان ایجاد شده است، لغو می‌گردد.» هدف لایحه، افزایش جمعیت کشور به لحاظ شاخص‌های مهم سیاسی، امنیتی، اقتصادی و اجتماعی می‌باشد.

مطالعات کارشناسی متعددی از سوی نهادهای گوناگون، از جمله مجمع تشخیص مصلحت و شورای عالی انقلاب فرهنگی، در دستور کار قرار می‌گیرد تا مبانی فقهی

موضوع و همچنین ضرورت اصلاح سیاست تنظیم خانواده و راهکارهای افزایش جمعیت، بررسی گردد.

### تنظیم خانواده و کنترل جمعیت

پیش از ادامه بحث، ضروری است که معنای دو اصطلاح که گاه مترادف با یکدیگر به کار برده می‌شود و اختلاف نظراتی را به وجود می‌آورد، مشخص شود. کنترل جمعیت، نوعی سیاست جمعیتی است که هدف عمده‌اش، تقلیل و کاهش جمعیت با در نظر گرفتن اوضاع و امکانات طبیعی، اقتصادی و اجتماعی یک جامعه می‌باشد.<sup>۱</sup>

اصطلاح «تنظیم خانواده»، در ده‌های اخیر برای اطلاق به گونه‌ای از سیاست جمعیتی به کار رفته و امروزه به دلیل دارا بودن بار معنایی مثبت مبنی بر اراده و اختیار افراد در اقدام به کاهش ابعاد خانواده و در نتیجه کاهش رشد جمعیت کشور، برای توجیه مفهوم کنترل جمعیت کاربرد وسیعی پیدا کرده است.

تنظیم خانواده، به تدابیری اطلاق می‌شود که طی آن‌ها بارداری زنان، کنترل و فاصله‌گذاری می‌شود تا خانواده‌ها بتوانند تعداد فرزندان را که مایل‌اند بیاورند. آگاهی و مسئولیت‌پذیری زوجین، در این تعریف دخالت جدی دارد. این دست‌ورالعمل‌ها گاهی جنبه حکومتی پیدا می‌کند و به یک برنامه تبدیل می‌شود. در این صورت، به عنوان یکی از سیاست‌های دولتی شناخته می‌شود.

در تعریفی دیگر، تنظیم خانواده این گونه تعریف شده است: تلاشی است به منظور تنظیم بارداری در خانواده؛ به گونه‌ای که با احکام دین و ارزش‌های اخلاقی منافات نداشته باشد و در جهت تحقق رفاه خانواده به شکل خاص، و نیز رفاه جامعه به نحو عام انجام می‌شود.<sup>۲</sup>

هدف تنظیم خانواده، ایجاد توازن میان امکانات اقتصادی - اجتماعی و تعداد فرزندان، آن هم به صورت آگاهانه و ارادی است. در حالی که کنترل جمعیت، همواره در جهت کاهش فرزندان است؛ ولی تنظیم خانواده می‌تواند در جهت افزایش، کاهش و

۱. جهانفر، محمد، مبانی جمعیت‌شناسی، ص ۲۰۳.

۲. طلعتی، محمدهادی، رشد جمعیت و تنظیم خانواده و سقط جنین، ص ۹۸.

یا هماهنگی تعداد فرزندان با مقتضیات زیستی، اقتصادی و اجتماعی خانواده باشد. بنابراین، سخن از مشخص کردن تعداد فرزندان نیست تا گفته شود داشتن دو فرزند بهتر است یا بیشتر؛ بلکه تعداد مطلوب فرزند، به نسبت امکانات و توان خانواده و جامعه بستگی دارد.

نگارنده این سطور نیز اصطلاح «تنظیم خانواده» را بر اصطلاحات دیگر ترجیح می‌دهد؛ به این جهت که به نظرات فقهی نزدیک‌تر است.

	کنترل جمعیت	تنظیم خانواده
۱	معطوف به کاهش جمعیت است	متوجه کاهش و افزایش آن است
۲	دولت، عامل فعال است (اجبار)	خانواده، عامل فعال است (اختیار)
۳	صرفاً جنبه کمی دارد	هم کیفی و هم کمی
۴	هدف، رشد و توسعه جامعه است	هدف، سلامتی خانواده و جامعه است
۵	به مسائل انسانی کمتر توجه دارد	به مسائل انسانی توجه بیشتری دارد
۶	امری عمومی و همگانی است	امری خصوصی و خانوادگی است

جدول ۶: مقایسه کنترل جمعیت و تنظیم خانواده (تقوی، ۱۳۸۹: ۱۰۴)

## نظریه‌های جمعیتی

### الف. طرفداران نظریه افزایش جمعیت

بر اساس این نظریه، کره زمین به طور نامحدود یا لاقلاً دارای امکانات و منابع لازم جهت حیات و رفاه انسانی است و نباید از این بابت بیم به خود راه دهیم. بنابراین، نباید از ازدیاد نفوس آدمی بیم داشت؛ بلکه بر عکس، باید با توجه به مزایا و محاسنی که این امر می‌تواند داشته باشد، مانند پیشرفت جامعه و افزایش قدرت حکومت، از آن استقبال کرد.

می‌توان گفت بیشتر ادیان و مذاهب، شاهان و سلاطین در این دسته قرار دارند. دین یهود، پیروان خود را به افزایش جمعیت و پراکنده شدن در سراسر گیتی تشویق می‌کند. دین مسیح نیز به طور کلی، ازدواج و افزایش جمعیت را سفارش می‌کند.

کلیسای کاتولیک، همواره با هر نوع حرکتی که منجر به محدود کردن خانواده برای بچه‌دار شدن باشد، مخالفت می‌ورزید و استعمال هر نوع روش پیشگیری از بارداری را رد می‌کرد. مخالفت صریح واتیکان با کاربرد هرگونه وسیله پیشگیری از بارداری، هنوز به قوت خود باقی است؛ هرچند پاپ بندیکت در سال ۲۰۰۹ در مصاحبه‌ای گفته است که استفاده از کاندوم در بعضی مواقع، از جمله توسط روسپی‌ها برای جلوگیری از گسترش بیماری ایدز، موجه است.

آیین پروتستان، مسائل پیش‌گیری از بارداری را به صورت برنامه عمومی که منجر به تحدید نسل شود، مجاز نمی‌داند؛ اما در حالت‌های فردی، به شخص اجازه می‌دهد که بنابر دلایل اقتصادی، بهداشتی و سلامت بدنی مادر یا فرزند، این کار صورت گیرد. کلیسای ارتدکس نیز ترک باروری بدون علت را گناه بزرگی می‌داند؛ البته در این مورد، خواهان آن است که دو شرط در نظر گرفته شوند: ۱. وضعیت اقتصادی زوجین؛ ۲. وضعیت سلامت زن.<sup>۱</sup>

در آیین‌های معروفی چون: هندوئیسم، بودائیسم و دین زرتشت نیز زیادی اولاد را برکت و نشانه توجه خداوند می‌شمردند. دین اسلام نیز با افزایش جمعیت موافقت دارد و به‌ویژه با فرزندگشی و سقط جنین به جهت بیم از فقر و تنگدستی، مبارزه کرده و آن را گناهی بزرگ دانسته است.

علاوه بر نظریات منتج از ادیان، مدافعان مکتب سوداگری در اروپا (قرن ۱۷) نیز معتقدند که افزایش جمعیت، سرچشمه‌ای از نیروی سیاسی، اقتصادی و نظامی است. آنان چنین می‌اندیشیدند که تعداد و تراکم زیاد جمعیت، انسان را به کار بیشتر و رقابت و تولید رو به افزایش وامی‌دارد که نتیجه آن، تولید ثروت است.<sup>۲</sup>

---

۱. همان، ص ۴۶.

۲. تقوی، نعمت‌الله، جمعیت و تنظیم خانواده، ص ۷۹-۷۸.

دلائل	طرفداران افزایش جمعیت	
فرزندآوری، امری یزدانی و افتخاری بزرگ	زرتشت	۱
مخالفت با از بین بردن حیات به هر شکل	آیین بودا	۲
باروری، امری مبارک و همراه با زندگی بهتر	دین یهود	۳
سفارش پروردگار (موضع متعادل‌تر کلیساهای ارتدکس و پروتستانی)	مسیحیت	۴
معطوف بودن مشیت الهی به ازدیاد اولاد	اسلام	۵
برتری اقتصادی، سیاسی و نظامی جامعه - افزایش رقابت	مرکانتیلیست‌ها (سوداگران)	۶
در یک جامعه بی‌طبقه، هیچ کس فقیر نمی‌ماند - پیشرفت برنامه‌های اقتصادی؛ به استثنای چین به جهت اتخاذ سیاست تک‌فرزندی	سوسیالیست‌ها و مارکسیست‌ها	۷
افزایش قدرت اقتصادی و نظامی حکومت	فاشیسم و نازیسم	۸

جدول ۷: طرفداران افزایش جمعیت و دلایل آنان

### ب. طرفداران نظریه کاهش جمعیت

این دسته از متفکران مسائل جمعیتی، معتقدند که افزایش جمعیت به تدریج به فقر و تنزل سطح زندگی خانواده و جامعه می‌انجامد و بنابراین، باید با به کار بستن راه‌های مختلف، از این افزایش جلوگیری کرد.

بسیاری از جمعیت‌شناسان، دیدگاه‌های جامعه‌شناختی مبتنی بر کنترل جمعیت را به توماس مالتوس (۱۷۶۴-۱۸۳۴) کشیش انگلیسی، نسبت می‌دهند.

نظریه وی از یک سو دارای زمینه‌های اجتماعی، نظیر فقر و هراس از کاهش منابع مورد نیاز بشر بود و از سوی دیگر، بین افزایش جمعیت و عوامل طبیعی مثل: میل جنسی، ازدواج و رابطه زناشویی، ارتباط برقرار می‌کرد. وی در این کتاب نگاه بدبینانه-

ای به آینده بشریت ترسیم می‌کند (گرسنگی، فقر و انفجار جمعیت) و راه چاره را در کاهش رشد جمعیت، می‌بیند.

مالتوس، یکی از علل مهم تیره‌بختی و عدم پیشرفت بشر را تمایل و توانایی بیش از حد وی به تولید مثل، بدون توجه به مقدار غذایی که در دسترس آن‌ها است، می‌داند. اگر موانعی در راه ازدیاد نفوس وجود نداشته باشد، افزایش جمعیت تابع تصاعد هندسی (۲، ۴، ۸، ۱۶، ۳۲، ...) و افزایش مواد غذایی و دیگر ارزاق مورد نیاز تابع تصاعد حسابی (۲، ۴، ۶، ۸، ۱۰، ...) است و در نتیجه، پس از مدت زمان معینی فاصله بسیاری بین این دو - و به ضرر مواد غذایی - به وجود آمده و بشریت دچار قحطی و فقر می‌گردد. البته عواملی مانند: جنگ، بیماری‌های همه‌گیر، خشکسالی، فقر و کم‌غذایی، موجب افزایش مرگ و میر شده و در عمل، شاهد چنین رشد جمعیت و فاصله بسیار عمیق بین مواد غذایی و رشد جمعیت نبوده‌ایم.

دلایل	طرفداران کاهش جمعیت	
عدم تناسب بین رشد جمعیت با رشد مواد غذایی و در نتیجه، فقر و بدبختی انسان‌ها	مالتوس	۱
منابع محدود و افزایش جمعیت، مانع رسیدن به مطلوبیت اقتصادی	مکتب کلاسیک اقتصادی	۲
عدم تناسب بین رشد جمعیت با رشد مواد غذایی و در نتیجه، فقر و بدبختی انسان‌ها	نومالتوسی‌ان	۳

جدول ۸: برخی طرفداران کاهش جمعیت

### ج. طرفداران جمعیت ثابت

طرفداران این نظریه، نه با افزایش جمعیت موافقاند و نه با کاهش آن؛ بلکه اعتقاد دارند وقتی جمعیت به «حد کافی» رسید، دیگر نباید افزایش یا کاهش داشته باشد. به نظر اینان، دگرگونی‌های مداوم جمعیت، تعادل نظام اجتماعی را بر هم می‌زنند. از

هواخواهان معروف این نظریه، جان استوارت میل است که صادقانه آرزو می‌کند اخلاف وی تا آن‌جا که ممکن است در ثبات جمعیت کشور خود بکوشند.<sup>۱</sup>

#### د. طرفداران نظریه حد متناسب جمعیت

این نظریه که اساس تفکرات و برنامه‌های امروزی جمعیتی را تشکیل می‌دهد، در حقیقت، بر این اصل استوار است که رابطه جمعیت و امکانات زیستی، یک مفهوم ثابت و ایستا نیست؛ بلکه بسته به امکانات بالقوه و بالفعل جامعه، تغییر و تحول می‌یابد. جمعیت متناسب، جمعیتی است که وصول به اهداف خاص سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مورد نظر را به بهترین وجه امکان‌پذیر سازد.

نظریه حد متناسب جمعیت، در طول دوره قرون وسطی و حتی پس از رنسانس، کمتر مورد توجه بوده است. در این دوران، به سبب انگیزه‌های سیاسی یا دینی و همچنین این واقعیت که میزان مرگ‌ومیر بالا و رشد جمعیت کند بوده است، همواره از نظریه افزایش جمعیت حمایت می‌شد و پس از آن، به دوران اندیشه‌های مالتوس و غلبه نظریه کاهش جمعیت می‌رسیم. از حدود قرن هیجدهم، نظریه حد متناسب جمعیت در آثار فلاسفه و اقتصاددانان مورد توجه قرار گرفت. مونتسکیو و ژان‌ژاک روسو در بیان هدف‌های سیاسی و اجتماعی جامعه ایده‌آل به این مفهوم توجه کردند.<sup>۲</sup> طبق این دیدگاه، میزان جمعیت باید به گونه‌ای تنظیم شود که برای همه امکان زندگی خوش و آزادانه در حد متوسط فراهم باشد؛ از جمله: فرصت شغلی، تغذیه مناسب و بهداشت.

نظریه «جمعیت متناسب» برای نخستین‌بار به طور رسمی توسط «کارل وینکل بلخ» آلمانی در نیمه اول قرن نوزدهم عنوان شد. آلفرد سووی نیز معتقد است که باید در دفع دو خطر کوشید: زیادی جمعیت و کمی جمعیت. میان این دو حد است که می‌توان تصویری از تعادل یا وضعی متناسب و منطقی از جمعیت داشت.<sup>۳</sup>

۱. همان، ص ۸۳-۸۲.

۲. رشد جمعیت و تنظیم خانواده و سقط جنین، ص ۶۲.

۳. جمعیت و تنظیم خانواده، ص ۸۵.



## سیاست افزایش جمعیت

امروزه آمارهای نگران‌کننده در باره: کاهش میزان باروری، کاهش نرخ باروری کُل، رشد منفی جمعیت در دهه‌های آتی و سالخوردگی جمعیت، موجب شد که در سه سال اخیر مجدداً بحث افزایش جمعیت و کنار گذاشتن شعار «فرزند کمتر، زندگی بهتر» مطرح شود. برای نمونه:

– امام خمینی رحمته الله علیه:

«مملکت ایران ۳۵ میلیون حالا می‌گویند جمعیت دارد. وسعتش آن قدر است که برای صد و پنجاه میلیون تا دویست میلیون جمعیت کافی است؛ یعنی اگر دویست میلیون جمعیت داشته باشد، در ایران به رفاه زندگی می‌کنند.»<sup>۱</sup>

– مقام معظم رهبری:

«من معتقدم که کشور ما با امکاناتی که داریم، می‌تواند ۱۵۰ میلیون نفر جمعیت داشته باشد. من معتقد به کثرت جمعیت. هر اقدام و تدبیری که می‌خواهد برای متوقف کردن رشد جمعیت انجام گیرد، بعد از ۱۵۰ میلیون انجام بگیرد.»<sup>۲</sup>

## نگاه اسلام درباره جمعیت

در گام اول، سعی ما این است که مسأله جمعیت را صرفاً از ناحیه احکام اولیه و بدون عنایت به ضرورت‌ها و مصلحت‌های عارضی و ثانوی بررسی نماییم. پس از بررسی، درمی‌یابیم که حکم اولی اسلام، استحباب تکثیر نسل می‌باشد. سپس با استفاده از ادله‌های فقهی و گاه کلامی و همچنین بحث‌های کارشناسی (مصالح و مفاسد جامعه و خانواده) در محدوده احکام ثانوی، به بیان چهار فرض یا سؤال می‌پردازیم و از این میان، به دو فرض اشاره می‌نماییم:

■ آیا مسلمانان ملزم به تکثیر نسل به هر شکل ممکن هستند؟ آیا شرایطی این اصل را مقید نمی‌سازد؟ (فرض الزام به تکثیر)

■ با توجه به بحث تنظیم خانواده، آیا ما ملزم به کاهش موالید و جمعیت هستیم؟ (فرض الزام به کاهش)

۱. خمینی، روح‌الله، صحیفه امام، ج ۷، ص ۳۹۳، ۱۳۵۸/۲/۵.

۲. در دیدار با کارگزاران نظام، ۱۳۹۰/۵/۱۶.

■ آیا اسلام درباره افزایش و کاهش جمعیت، ساکت است؟ (فرض بلا شرط؛ نه کاهش و نه افزایش)

■ آیا تقیدات و تراحم‌هایی وجود دارد که حکم اولی را تغییر دهد؟ (فرض الزام به تکثیر، به شرط مقتضی)

به طور کلی، در شریعت اسلام دو گونه قانون و حکم وجود دارد:

■ قوانین و احکام اولیه که مربوط به شرایط عادی و معمولی زندگی انسان و فراتر از زمان و مکان هستند.

■ قوانین و احکام ثانویه که مربوط به شرایط اضطراری و غیر عادی‌اند.

احکام ثانویه، بر احکام اولیه نظارت دارند و در شرایط غیر عادی، آن‌ها را تغییر داده یا به کلی آن‌ها را بر می‌دارند؛ مثلاً وجوب روزه‌داری در ماه رمضان، از احکام اولیه است که مربوط به شرایط عادی است؛ اما اگر روزه‌داری موجب ضرر گردد و سلامتی انسان را دچار مشکل سازد، در این‌جا حکم ثانوی، یعنی «قاعده دفع ضرر» وارد عمل می‌شود و وجوب روزه را از کسانی که روزه‌داری برای آن‌ها ضرر دارد، برمی‌دارد.

ادله اولیه راجع به جمعیت، طبق مبانی اسلامی (قرآن و احادیث) چیست؟ بنابراین، در گام اول، سعی ما این است که مسأله را صرفاً از ناحیه احکام اولیه و بدون عنایت به ضرورت‌ها و مصلحت‌های عارضی و ثانوی بررسی نماییم.

با رجوع به آیات و احادیث که در سطور پایین شرح داده می‌شود، شریعت اسلام به مطلوبیت ازدواج، فرزندآوری و تکثیر جمعیت حکم داده است. این ادله، از دیدگاه کلامی و فقهی قابل تبیین است:

### آیات و روایات مطلوبیت ازدواج و فرزندآوری

همه موجودات بر اساس غریزه طبیعی، برای حفظ نسل خود به تناسل مشغول هستند و انسان نیز علاوه بر غریزه طبیعی، بر مبنای فطرت و عقل، به بقای نوع خود توجه دارد. این ضرورت، از طریق ازدواج و فرزندآوری پاسخ داده می‌شود. بنابراین، هر اقدامی که از تناسل جلوگیری کند، مخالف فطرت و طبیعت آدمی است. طبق دیدگاه قرآنی، خلقت و بقای نوع انسانی، بر اساس رابطه زوجیت شرعی تحقق می‌-

یابد.<sup>۱</sup> یکی از مهم‌ترین دلایل تأکید و اهتمام شارع مقدس به امر ازدواج، حفظ نسل و بقای نوع انسان است.

بنابر این تعریف و با توجه به وضعیت بیولوژیک دو جنس زن و مرد، هدفی جز تولید مثل و باقی گذاشتن نوع انسان منظور نبوده است. سایر احکام مربوط به روابط زن و مرد، از قبیل: احکام رعایت عفت، زناشویی، اختصاص داشتن زوجه به زوج، احکام طلاق، عدّه، اولاد، ارث و... هم بر اساس همین واقعیت وضع شده است.<sup>۲</sup> در منابع فقهی نیز ضمن تأکید بر استحباب ازدواج، آن را راهی برای تناسل معرفی نموده است، به عبارت دیگر، حفظ نسل یکی از مقاصد اسلام است و ازدواج نیز برای حفظ آن مقرر شده است. از آن، دوام نوع و ماندگاری نسل است و در اساس، از فلسفه‌های مهم روا شمردن ازدواج با یک یا چهار زن، و روا شمردن ازدواج‌های موقت در اسلام، همان زاد و ولد و افزون کردن نسل است.

برخی آیات و روایاتی که مؤید ادله فوق هستند، عبارت‌اند از:

«وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُعْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»<sup>۳</sup> بی‌همسران را و بردگان و کنیزان شایسته‌تان را همسر دهید. اگر تهی دست باشند، خداوند از فضل خویش، بی‌نیازشان کند. خداوند، گشایش‌بخش و دانا است.»

«...فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا»<sup>۴</sup> از زنان، چندان که شما را نیکو است، به زنی گیرید: دو دو، سه سه، چهار چهار. اگر بترسید داد نکنید، پس یکی یا کنیزانی که به دست آوردید.»

«نِسَاءُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَاتُوا حَرْثَكُمْ أَنْتُمْ شِئْتُمْ...»<sup>۵</sup> زنانان کشتزار شمایند. هرگاه خواهید، به کشتزار خود درآیید.»

۱. نساء، آیه ۱.

۲. طباطبائی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۲۷۷.

۳. نور، آیه ۳۲.

۴. نساء، آیه ۳.

۵. بقره، آیه ۲۲۳.

«وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً...»<sup>۱</sup> و خداوند هم از خودتان، برای‌تان جفت‌هایی نهاده و از جفت‌هاتان، شما را فرزندان و نوادگانی داده و...»

«و عِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ... وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا»<sup>۲</sup> بندگان خدای رحمان کسانی هستند که می‌گویند: ای پروردگار ما! از همسران و فرزندان ما روشنی چشم به ما ببخش و ما را برای پرهیزکاران، پیشوا قرار بده»؟

در این آیه، یکی از صفات عبادالرحمن این است که از خدا می‌خواهند تا نسلی به آن‌ها عطا کند که روشنی چشم آنان باشد. در قرآن کریم، فرزندان، «مایه زینت زندگی»<sup>۳</sup> و «یار و مددکار انسان»<sup>۴</sup> معرفی شده‌اند.

علاوه بر آیات قرآنی، احادیث متعددی نیز در این مورد وارد شده است: جابر از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چه چیزی انسان مؤمن را از این باز می‌دارد که همسری بگیرد، تا شاید خداوند فرزندی برای او روزی کند تا زمین را با «لا اله الا الله» سنگین نماید.<sup>۵</sup>

از امیر مؤمنان، علی علیه السلام در حدیث «اربعامة» نقل شد که می‌فرمود: ازدواج کنید؛ زیرا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بارها فرمود: «مَنْ كَانَ يُحِبُّ أَنْ يَتَّبِعَ سُنَّتِي فَلْيَتَزَوَّجْ فَإِنَّ مِنْ سُنَّتِي التَّزْوِيجَ وَاطْلُبُوا الْوَالِدَ...» هر کس دوست دارد که پیرو سنت من باشد، باید ازدواج کند؛ زیرا ازدواج سنت من است، در جستجوی فرزند باشید...<sup>۶</sup>

۱. نحل، آیه ۷۲.

۲. فرقان، آیه ۶۳ و ۷۴.

۳. کهف، آیه ۴۶.

۴. اسراء، آیه ۶.

۵. وسائل الشیعه، ج ۱۴، باب ۱، ص ۳.

۶. همان، ج ۲۰، ص ۱۵.

طبق روایات مذکور، تولید مثل و فرزندآوری، امری پسندیده و ممدوح بوده و نسبت به آن تأکید و ترغیب فراوان صورت گرفته است. از منظر متون دینی، فرزند شایسته، نعمتی از نعمت‌های الهی و گلی از گل‌های بهشت است. امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ الْوَلَدَ الصَّالِحَ رِيحَانَةٌ مِنْ رِيَّاحِينَ الْجَنَّةِ؛ فرزند صالح، گلی از گل‌های بهشت است.»<sup>۱</sup>

### روایات دال بر مطلوبیت افزایش نسل مسلمانان

پس از اثبات ضرورت و مطلوبیت حفظ نسل از راه ازدواج، مسأله استحباب افزودن نسل مسلمانان مطرح می‌شود. با ذکر تعدادی از روایات، استحباب کثرت اولاد مشخص خواهد شد. روایات متواتر نبوی وجود دارد که از طریق شیعه و سنی رسیده و به‌صراحت تکثیر اولاد را تشویق کرده و آن را مایه مباهات رسول اکرم صلی الله علیه و آله در روز قیامت بر سایر انبیا و امت‌ها می‌داند.

در صحیح‌ه محمد بن مسلم به روایت از امام صادق علیه السلام آمده است: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «تَزَوَّجُوا فَإِنِّي مُكَاتِرٌ بِكُمْ الْأُمَّمَ عَدَا فِي الْقِيَامَةِ؛ ازدواج کنید که من به سبب زیادی جمعیت شما، بر دیگر امت‌ها مباهات می‌کنم.»<sup>۲</sup>

در صحیح‌ه جابر بن عبدالله آمده که وی گفت: ما در نزد پیامبر صلی الله علیه و آله بودیم. حضرت فرمود: همانا بهترین زنان شما، زنی است که زیاد بچه بزاید و مهربان و عزیز در میان خویشاوندان خود و فرمان‌بردار شوهرش باشد...»<sup>۳</sup>

در صحیح‌ه عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: مردی نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای پیامبر خدا! دختر عمویی دارم که زیبایی، خوش‌صورتی و دین او را می‌پسندم؛ ولی نازا است.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: با وی ازدواج نکن؛ زیرا یوسف بن یعقوب با برادرش دیدار کرد و از او پرسید: ای برادر! چگونه پس از من توانستی با زنان ازدواج کنی؟ او گفت: پدرم به من فرمان داد و گفت: اگر می‌توانی نسلی پدید آری که زمین را آکنده از تسبیح

۱. کلینی، فروع کافی، ج ۶، ص ۳، ح ۱۰.

۲. کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۲، ح ۳؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳.

۳. وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۸.

سازند، چنان کن. او گفت: فردای آن روز مردی دیگر نزد پیامبر ﷺ آمد و همانند آن سخن را به پیامبر ﷺ رسانید. آن حضرت به او گفت: با زن سَوَاء اما زایا، ازدواج کن؛ زیرا من در روز قیامت با فزونی تان بر امت‌ها مباحات می‌کنم. راوی گفت: من به امام صادق علیه السلام گفتم: «سَوَاء» چیست؟ امام فرمود: زن زشت منظر.<sup>۱</sup>

طبق حدیث فوق، در جایی که امر دایر است میان ازدواج با زن زشت‌رو اما زایا یا زن زیبا اما نازا، حضرت ﷺ اولی را ترجیح داده‌اند و دلیل آن هم در ذیل روایت ذکر شده است: افزایش تسبیح‌کنندگان خداوند در روی زمین. نتیجه آن‌که افزایش کمی مسلمانان، مورد عنایت ایشان است.

قسمتی از دعای بیست و هفتم از صحیفه سجادیه نیز به مطلوبیت کثرت مسلمانان از آن جهت که موجب قدرت و شوکت آنان می‌شود، اشاره دارد:

«خداوندا! بدین جهت، دشمنان‌شان را سست گردان!... و میان آن‌ها و میان خوراک‌هایشان فاصله انداز!... و مدد رسیدن به آن‌ها را از ایشان قطع کن! و در جمعیت و تعدادشان کاهش بده!... و دستشان را از گشادگی ببند!» تا آن‌که عرض می‌کند:

«بار خداوندا! رحم زن‌هایشان را عقیم کن! و اصلا ب مردانشان را از نطفه خشک نما!... و به زمینشان اجازه مده تا برایشان رویدنی برویاند! بار خداوندا! به واسطه آن، اهل اسلام را قدرت بخش و خانه‌هایشان را مصون بدار و اموالشان را بدان بارور و با ثمر کن!... تا به جایی برسد که در هیچ نقطه از بسط خاک، غیر تو پرستیده نشود! و پیشانی کسی برای غیر تو به خاک مالیده نگردد.»

از مجموع احادیث گذشته، می‌توان توصیه شارع درباره ازدواج جهت حفظ نسل، مطلوبیت حصول فرزند و تکثیر نسل را به عنوان قانون کلی و حکم اولی در زندگی نوع بشر، استنتاج کرد. مجموع این روایات، دلالت روشنی بر استحباب تکثیر نسل دارد. شایان ذکر است که فقهای عظام شیعه بر مبنای روایات و احادیث مذکور، در آثار و مباحث فقهی خود بر حفظ نسل، اهمیت ازدواج، دقت در انتخاب همسر و افزوده شدن نسل مسلمانان توجه داشته‌اند و مباحثی مانند کنترل جمعیت و یا تنظیم خانواده، بدین صورت که امروزه مطرح است، در فقه شیعی سابقه نداشته است.

۱. الکافی، ج ۵، ص ۳۳۳، ح ۱؛ وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۵۳.

حال که استحباب ازدواج جهت حفظ نسل، مطلوبیت حصول فرزند و تکثیر نسل را به عنوان قانون کلی و حکم اولی شرع در زندگی نوع بشر، استنتاج شد، پس محل نزاع کجا است؟ نزاع اصلی این است که آیا از نظر شارع تکثیر نسل الزامی است یا خیر؟ آیا تکثیر نسل به طور مطلق و در هر زمان و مکانی و شرایطی، مطلوب و لازم است؟ در پاسخ به این سؤالات، بین علمای اسلام اختلاف نظر وجود دارد و بحث جمعیت را به موضوعی اختلافی و چالشی سوق داده است. البته این آرا بیشتر مربوط به متفکران معاصر می‌باشد که در طی حدود ۶۰ سال اخیر و با ورود برنامه‌های تنظیم خانواده به کشورهای مسلمان ابراز شده است. در واقع، اگر سیاست‌های کنترل جمعیت که بعدها به تنظیم خانواده تغییر نام داد، از غرب وارد کشورهای اسلامی نمی‌شد، به احتمال قوی در منابع فقهی هم این‌گونه مسائل مطرح نمی‌گردید. در گذشته، این مسائل یا مطرح نبوده و یا به طرح مبانی اولیه اسلام که همانند دیگر ادیان به افزایش نسل مسلمانان توجه داشته، بسنده می‌شده است.

از حیث اصطلاح، مسأله تحدید یا تنظیم نسل در عبارات کتب قدما تحت عناوین: «العزل»، «الفخاذ» و «سفیح الماء» آمده است و بحث تحدید نسل را شاید بتوان در خلال مباحث ضرر رساندن به قوای جسمی و بدنی جستجو کرد. از این رو، ظاهر عبارت قدما، متعرض این گونه معانی (کنترل جمعیت به معنای امروزی از راه عزل) نیست؛ ولی می‌توان استفاده کرد که غالباً این گونه امور، به‌ویژه عزل، به منظور تمتعات جنسی، بدون آن‌که به حصول فرزند منتهی بشود، صورت می‌گرفته است؛ یعنی افرادی که این عمل را انجام می‌دادند، غالباً به قصد کنترل جمعیت نبوده است و قصد آنان، لذت جنسی بدون حصول فرزند بوده است.<sup>۱</sup>

در عبارات فقهای جدید، این مسأله به‌صراحت تحت عناوین «تحدید النسل»، «ضبط النسل» و در بسیاری موارد تحت عنوان «تنظیم النسل» مطرح شده است. در باره این عناوین، همان‌طور که گفته شد، در کتب قدما بحث مستقلی وجود ندارد و این گونه مباحث، اصلاً مطرح نبوده است. شاید از نخستین کسانی که در این باره مطالبی نوشتند

۱. رشد جمعیت، تنظیم خانواده و سقط جنین، ص ۳۵.

و موضوع تنظیم نسل را از جنبه‌های فقهی و دینی بررسی کردند، علمای مصر و به‌ویژه الازهر، مانند شیخ احمد ابراهیم در سال‌های ۱۹۳۶ تا ۱۹۵۳ بودند.<sup>۱</sup>

در پاسخ به آنچه محل نزاع است و با توجه به دیدگاه‌های علمای اسلامی در باب جمعیت، می‌توان چهار فرض را طرح کرد:

۱. الزام به تکثیر جمعیت (موافقان افزایش جمعیت و مخالف برنامه‌های کنترل جمعیت و تنظیم خانواده)؛

۲. الزام به کاهش جمعیت (مخالفان افزایش جمعیت و موافقان برنامه‌های کنترل جمعیت و تنظیم خانواده)؛

۳. بلا شرط (اسلام نه نظری درباره کاهش جمعیت دارد و نه نظری درباره افزایش آن)؛

۴. تکثیر نسل به شرط مقتضی (موافقان افزایش جمعیت به اقتضای شرایط).

به نظر ما، اسلام با فرض چهارم موافق است؛ یعنی به صورت اقتضایی خواهان افزایش جمعیت است. از این رو، در صورتی که شرایط فراهم نباشد، تکثیر نسل مستحب و الزام‌آور نخواهد بود. بی‌تردید، آیین اسلام، پیروان خود را به افزایش جمعیت یا ایمان و شایسته، به اندازه‌ای که در توان آنان باشد، فرا می‌خواند. اکنون به بررسی برخی از این چهار فرض بر اساس مبانی اسلامی می‌پردازیم:

### الزام به تکثیر نسل (موافقان افزایش جمعیت)

عده‌ای از اندیشمندان و علمای دین، با بیان ادله‌هایی با سیاست کنترل جمعیت مخالفت کرده و به الزام تکثیر نسل رأی داده‌اند. اینان خود به دو دسته تقسیم می‌شوند: عده‌ای معتقدند هر گونه برنامه‌ای - کنترل جمعیت و تنظیم خانواده - که در صدد تحدید و پیش‌گیری از افزایش نسل مسلمانان باشد، از نظر شرع مردود است و ما ملزم به تکثیر نسل مسلمانان هستیم و هیچ شرطی نباید مانع از پیاده کردن این حکم اولیه اسلام باشد. گروه دیگر، این نظر افراطی را تعدیل کرده و معتقدند که اگرچه شریعت اسلام، پیش‌گیری از رشد جمعیت را جایز نمی‌داند (یعنی حکم اولیه و اصلی افزایش

۱. ایازی، سید محمدعلی، اسلام و تنظیم خانواده، ص ۱۸.



جمعیت است)، اما در مواردی که رفع حرج و سهولت تکلیف بر مکلفان نامیده می‌شود، اجازه می‌دهد که برنامه کنترل جمعیت در سطح فردی و فقط در مواردی که اسلام آن را مشخص کرده و در زمان محدود به اجرا در آید.

از جمله این علما، می‌توان به سید محمدحسین حسینی تهرانی اشاره کرد که به طور کامل با سیاست سامان‌دهی خانواده به مخالفت برخاست و با نگارش «رساله نکاحیه: کاهش جمعیت ضربه‌ای سهمگین بر پیکر مسلمین»، سیاست مهار زاد و ولد و پذیرندگان آن را مورد انتقاد شدید قرار داد و نوشت:

«امروز، مسأله کنترل جمعیت و شعار: جمعیت کمتر، زندگی بهتر، به قدری جدی گرفته شده و هیاهو و تبلیغات بر سر عواقب و خطراتی که برای آن شمرده می‌شود، به قدری فراگیر گشته که کمتر کسی مجال تفکر، تحلیل و یا احیاناً تشکیک در این مسأله را می‌یابد و متأسفانه این جوسزدگی، چنان حاکم گشته که حتی از سوی کسانی که انسان کوچک‌ترین شکی در خلوص نیت و دلسوزی‌شان برای جامعه و اسلام ندارد، عکس العمل‌های انفعالی و جانبداری مشاهده می‌شود؛ تا حدی که گاه انسان متحیر می‌ماند که چگونه عقل سلیم و ذهن حکیم تحت تأثیر تبلیغات فریبنده‌ای قرار گیرد که با اندکی توجه و دقت، نادرست بودنشان قابل تشخیص است.»<sup>۱</sup>

وی تا آن‌جا پیش می‌رود که می‌نویسد: «سلامت بدن و روان زن، در زاییدن است؛ در حامله شدن و شیر دادن است... زن باید مانند مرد پیوسته راه تقرب را بپیماید و آن وقتی است که دوش به دوش مرد نماز بخواند و روزه بگیرد و طواف کند و این فقط در وقتی است که حامله باشد و یا طفل خود را شیر دهد... بنابراین، زنان باید پیوسته یا حامله باشند و یا شیر دهند تا در کاروان انسانیت و حرکت به سوی معبود و محبوب، و قبله مشتاقان و کعبه عاشقان... با مردان هم‌آهنگ باشند.»<sup>۲</sup>

در ادامه، به دیدگاه شماری از علما و مراجع اشاره می‌گردد:

---

۱. حسینی تهرانی، سید محمد حسین، رساله نکاحیه: کاهش جمعیت، ضربه‌ای سهمگین بر پیکر مسلمین، ص ۱۰۸.

۲. همان، ص ۴۲-۴۱.

### آیت‌الله نوری همدانی

«عده‌ای از لحاظ این‌که جمعیت روی زمین به‌سرعت رو به افزایش می‌رود، چنین فکر می‌کنند که زمانی فرا خواهد رسید که مردم از جهات اقتصاد زندگی به مضیقه خواهند افتاد و زمین قدرت تغذیه و تأمین لوازم زندگی بشر را نخواهد داشت و از این رو، مردم را به جلوگیری از افزایش نسل تشویق، بلکه وادار می‌کنند. به علاوه، متأسفانه سقط جنین را یک عمل منطقی و موجه جلوه می‌دهند؛ ولی این عقیده همان طور که بعضی از دانشمندان هم تصریح کرده‌اند، درست نیست؛ زیرا سطح زمین به اندازه‌ای وسیع است که به ۵۰۰ میلیون کیلومتر بالغ می‌شود و اگر آن را به طور تساوی میان جمعیت فعلی روی زمین تقسیم کنیم، به هر فردی ۵ هکتار از خشکی و تقریباً ۱۲ هکتار از دریاها می‌رسد؛ علاوه بر این، گنج‌های فراوان و معادن بسیار زیادی در آن قرار داده شده است. در این صورت، اگر تمام قدرت‌های علمی و امکانات صنعتی خود را در راه بهره‌برداری از این منابع خداداد به کار بیندازند، زمین می‌تواند چندین برابر جمعیت کنونی را به طور کامل اداره کند (نوری همدانی، ۱۳۷۴: ۲۸۸).

### آیت‌الله جعفر سبحانی

«صاحب‌نظران می‌گویند: اگر در این مملکت (ایران)، رودخانه‌ها سدبندی شود، زمین‌های بایر آباد گردند، از تمام زمین‌های زراعتی به‌خوبی استفاده شود، صید ماهی به صورت صحیح اداره گردد و سطح فکر مردم بالا برود، این مملکت قادر به اداره ۱۵۰ میلیون نفر خواهد بود. کشور ایران هم‌اکنون دچار کمبود نیروی انسانی است. در همین سال‌های اخیر، متجاوز از یک میلیون کارگر خارجی در نقاط مختلف کشور مشغول کار و بازار کار گرم، و نیروی انسانی کمیاب بود؛ مع الوصف، چگونه دم از کنترل ازدیاد جمعیت می‌زنیم؟ در حالی که نیاز مبرم به نیروی انسانی داریم؟ در این کشور، کمبود پزشک و مهندس، تکنسین و استادکار برای همه ملموس است و هر روز دست نیاز به خارج دراز کرده و دسته دسته دکتر و مهندس و... وارد می‌کنیم. کشورهای پیشرو که برای جلوگیری از ازدیاد جمعیت در کشورهای در حال رشد، کارشناس می‌فرستند، بهتر است جمعیت خود را در حد فعلی نگاه دارند، تا جمعیت دیگر کشورها به نیمی از جمعیت آنان برسد، سپس برای آنان طرح و برنامه بریزند... بهتر نیست که بودجه‌ای که در راه کنترل جمعیت مصرف می‌شود، در راه فراهم ساختن

وسایل زندگی خانواده‌های فقیر مصرف گردد و به جای انسان‌کشی، به احیای انسان‌های فقیر و بی‌دفاع پردازیم.<sup>۱</sup>

### آیت‌الله حسینی طهرانی

«محدوده کشور ایران، به تصدیق کارشناسان داخلی و خبرگان خارجی، از جهت استعداد و کثرت زمین‌های حاصلخیز و قابل کشت و زراعت و باغداری و دامداری، وفور آب و رودخانه‌ها و امکان آبیگرها، و از جهت انواع معادن، می‌توان از مرغوب‌ترین کشورهای جهان به حساب آورد و ظرفیت آن را دارد که به‌آسانی و راحتی ۲۰۰ میلیون نفر را در مهد خود بپذیرد و بپرورد. اما امروزه می‌بینیم که از جهت کمبود افراد کشاورز در کشتزارها و باغ‌ها، و از جهت کمبود افراد کارگر در کارخانجات، در مزیقه‌ای عجیب به سر می‌بریم.» (ص ۴۱)

### تکثیر نسل به شرط مقتضی (افزایش جمعیت به اقتضای شرایط)

طبق این فرض، بر اساس مبانی اسلامی، اصل و حکم اولی به تکثیر نسل است؛ اما در عین حال، اسلام تزاخم و شرایط زمان و مکان را در نظر می‌گیرد. اسلام مسلمانان را به ازدواج، فرزندآوری و تکثیر نسل تشویق و دعوت می‌کند؛ اما شرایطی را نیز برای آن در نظر گرفته است. از این رو، اسلام به کیفیت جمعیت توجه دارد و تکثیر نسل را منوط به تحقق کیفیت مطلوب جمعیت، مثلاً صالح بودن، کرده است. اسلام، در مجموع، به صورت اقتضایی خواهان افزایش جمعیت است؛ یعنی رشد جمعیت با شرایط مشخص و از این رو، در صورتی که شرایط فراهم نباشد، تکثیر نسل مستحب و الزام‌آور نخواهد بود.

برای تشخیص این‌که آیا تکثیر اولاد به صورت مطلق مستحب است یا آن‌که استحباب آن مقید به شرط یا شروطی است، باید باز به ادله شرعی رجوع کرد؛ با مراجعه به دسته‌های دیگر از روایات، می‌توان استنباط کرد که این استحباب، مطلق نیست و مقید به حفظ کیفیت است؛ یعنی از مجموع روایات تکثیر نسل و سایر روایات به دست می‌آید که اسلام در کنار رشد کمی نسل، بعد کیفی آن را نیز - چه از حیث

۱. سبحانی، جعفر، منشور جاوید، ص ۸۲.

جسمانی و چه از حیث معنوی و روحانی - مد نظر قرار داده است؛ در واقع، آنچه مستحب است، تکثیر نسلی «سالم» و «صالح» است.

### آیت‌الله مؤمن قمی

«ما هم‌رأی با این نظر هستیم که بی‌تردید، آیین اسلام، بلکه تمامی ادیان آسمانی، پیروان خود را به افزایش جمعیت با ایمان و شایسته، به اندازه‌ای که در توان آنان باشد، فرا می‌خواند. در این باره روایات زیادی از هر دو گروه شیعه و سنی وارد شده که به‌روشنی بر این مدعا دلالت دارند.»<sup>۱</sup>

### اهداف ناظر بر جمعیت متناسب بر اساس متون دینی

#### ۱. ترغیب جوانان به امر ازدواج

در سال‌های اخیر، متأسفانه آمار ازدواج کاهش و سن ازدواج افزایش یافته است. سن ازدواج در حال حاضر، نسبت به دهه ۶۰ بین ۳ تا ۴ سال، افزایش داشته است؛ در حالی که ازدواج از دستورهای مورد تأکید اسلام است. در سوره نور، آیه ۳۲ می‌فرماید: «و زنان و مردان مجرد خود... را همسر دهید. اگر تنگ‌دست باشند، خداوند آن‌ها را به فضل خویش بی‌نیاز خواهد کرد...»

#### ۲. تشویق زوجین به فرزندآوری

قرآن کریم، زاد و ولد موجودات از جمله انسان را لطف و مرحمت خداوند و نشانه‌ای از قدرت لایتناهی او می‌خواند (نوح، آیه ۱۲؛ فاطر، آیه ۱۱). در حالی که امروزه نگرشی منفی نسبت به فرزندآوری وجود دارد؛ به این معنا که غالب زوجین امروزی سعی می‌کنند در ۲ الی ۴ سال اول ازدواج، بچه‌دار نشوند و سپس به ۱ یا ۲ فرزند اکتفا کنند. از این رو، می‌بینیم که نرخ باروری در ایران، حتی از کشورهای غربی مانند آمریکا و فرانسه نیز کمتر است.

---

۱. الكلمات السديدة في مسائل الجديدة.

### ۳. افزایش جمعیت صالح و با ایمان

آیین اسلام، پیروان خود را به افزایش جمعیت با ایمان و شایسته فرا می‌خواند. در این باره روایات بسیاری از شیعه و سنی وارد شده که به روشنی بر این مدعا دلالت دارند.

### ۴. کیفیت جمعیت، مهم‌تر از کمیت آن

در اسلام، کمیت یا کثرت عددی، به‌تنهایی امتیاز و مطلوبیت محسوب نمی‌شود؛ بلکه بر مدار حق بودن، ملاک برتری است و از اهمیت بیشتری برخوردار است. در آیه ۶ سوره اسراء می‌فرماید: «آن‌ها؛ کافران و منافقان که بیش از شما در دنیا زیسته‌اند هم مثل شما بودند؛ حتی از شما نیرومندتر و دارای فرزندان بیشتر... آن‌ها به یاوه‌گویی سرگرم بودند و اعمال‌شان در دنیا و آخرت تباه شد. پس به واقع زیانکار شدند.» طبق این آیه شریفه، تعداد زیاد جمعیت مانع از تباهی نیست. به همین دلیل، در بند سوم، بر افزایش جمعیت صالح و با ایمان تأکید شده است.

### ۵. حفظ شوکت و عظمت مسلمانان

جمعیت با توجه به ویژگی‌های مطلوبی که باید داشته باشد، سرمایه اصلی هر کشور و موجب قدرت و عظمت آن است. یکی از اهداف مهم ناظر بر جمعیت، حفظ شوکت و عظمت جامعه اسلامی است.

### ۶. تنظیم خانواده، حقی دائمی

با توجه به اصل «لاضرار» و «عسر و حرج»، برنامه تنظیم خانواده باید به عنوان یک حق و ضرورت دائمی برای خانواده‌ها مورد تأکید قرار گیرد. سلامتی جسمی و روانی والدین و حتی فرزندان و برقراری تناسب بین امکانات مادی و معنوی خانواده با تعداد اولاد به منظور امکان برای زندگی بهتر، ضرورتی دائمی است.

### منابع:

۱. قرآن کریم.
۲. اجوبه الاستفتاءات (۱۳۸۱)، سید علی خامنه‌ای، مسأله ۱۲۵۵، الهدی.
۳. استفتائات از محضر امام خمینی، ج ۳، جلوگیری از بارداری و سقط جنین، انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین قم.

۴. امام خمینی، رساله نوین، تهیه و تنظیم بی‌آزار شیرازی، ج ۳، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۵. ایازی، سید محمدعلی (۱۳۷۴)، اسلام و تنظیم خانواده، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۶. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۶۲)، نهج الفصاحه، انتشارات جاویدان، تهران:
۷. پرسا، رولان (۱۳۵۳)، جمعیت‌شناسی اجتماعی، ترجمه منوچهر محسنی، تهران: نشر دانشگاه.
۸. پورتال مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه، [Psrc.ac.ir](http://Psrc.ac.ir)
۹. تقوی، نعمت‌ا... تقوی (۱۳۸۹)، جمعیت و تنظیم خانواده، تبریز: انتشارات آیدین.
۱۰. جهانفر، محمد (۱۳۷۶)، مبانی جمعیت‌شناسی، تهران: انتشارات دهخدا.
۱۱. حر عاملی (۱۴۱۶ ق)، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام لایحیاء التراث، جلد ۱۴.
۱۲. حسینی تهرانی، سید محمد حسین، رساله نکاحیه: کاهش جمعیت ضربه‌ای سهمگین بر پیکر مسلمین، تهران: ۱۳۷۰.
۱۳. حلم سرشت، پریش و دل‌پیشه، اسماعیل (۱۳۸۵)، جمعیت و تنظیم خانواده، تهران: انتشارات چهره.
۱۴. خمینی، سید حسن (۱۳۸۲)، مبانی فقهی تنظیم خانواده، تهران: انتشارات پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
۱۵. سبحانی، جعفر (۱۳۶۰)، منشور جاوید، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام.
۱۶. سید محمدحسین طباطبائی، تفسیرالمیزان (۱۳۸۲)، ترجمه سید محمدباقر موسوی‌همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
۱۷. شهید ثانی (۱۴۱۱ ق)، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، بیروت: انتشارات دارالعالم الاسلامی، ج ۵.
۱۸. صحیفه نور، رهنمودهای امام خمینی، ج ۳۹/۴، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۹. طلعتی، محمد هادی (۱۳۸۳)، رشد جمعیت، تنظیم خانواده و سقط جنین، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۲۰. کتابی، احمد (۱۳۷۰)، نظریات جمعیت‌شناسی، تهران: انتشارات اقبال.
۲۱. مجلسی، محمد تقی، بحار الانوار، تهران: نشر اسلامیه، ج ۱۰۴.
۲۲. محمودی، محمد جواد، تحولات جمعیتی، چالش‌های پیش‌رو و لزوم تجدیدنظر در سیاست‌های جمعیتی ایران، فصلنامه علمی - تخصصی برداشت دوم، مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، ش ۱۱، ۱۳۸۹.

۲۳. مرکز آمار ایران، دفتر آمارهای جمعیت، نیروی کار و سرشماری سال‌های مختلف.
۲۴. مطهری، مرتضی (۱۳۴۷)، خاتمیت، قم: انتشارات صدرا.
۲۵. مکارم شیرازی (۱۴۱۹ ق)، «تحدید النسل»، مجله فقه اهل‌البیت، ش ۱۱ و ۱۲.
۲۶. مکارم شیرازی (۱۴۱۹ ق)، المسائل المستحدثة فی الطب (القسم الثانی)، مجله فقه اهل‌البیت، ش ۱۰.
۲۷. مؤمن قمی، محمد (۱۴۱۵ ق)، الكلمات السديدة فی مسائل الجديدة، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۲۸. میرزایی، محمد (۱۳۷۸)، نوسانات تحدید موالید در ایران، فصلنامه جمعیت، ش ۲۹-۳۰، پاییز و زمستان.
۲۹. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۲۹.
۳۰. نوری طبرسی، حسین (۱۴۰۷ ق)، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل‌البیت، قم، ج ۱۴.
۳۱. نوری، حاج میرزا حسین، مستدرک الوسائل، ج ۱۴.